

# وستفالیای خاورمیانه

برندن سیمس، میشل اکسورثی، پاتریک میلتنون

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

ترجمه

محسن امیری کمال آباد

سرشناسه: میلتن، پاتریک، ۱۹۸۴-م. Milton, Patrick, 1984 | عنوان و نام پدیدآور:  
وستفالیای خاورمیانه/ برندن سیمس، میشل اکسورثی، پاتریک میلتن؛ ترجمه محسن امیری کمال آباد. |  
مشخصات نشر: تهران: نشر انتخاب، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص. | شابک: 978-  
2-7302-75-2 | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: عنوان اصلی: Towards  
a Westphalia for the Middle East, 2018 | یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۸۵-۲۰۲. |  
موضوع: جنگ های سسی ساله، ۱۶۱۸-۱۶۴۸ م. -- تاثیر | موضوع: Thirty Years War,  
1648-1618 -- Influence | موضوع: آشتی -- جنبه های سیاسی -- آلمان -- تاریخ -- قرن  
۱۷م. | موضوع: Reconciliation -- Political aspects -- Germany -- History -- 17th century  
| موضوع: آشتی -- جنبه های سیاسی -- خاورمیانه | موضوع: Reconciliation --  
Middle East -- Political aspects -- Middle East -- History -- 20th century | موضوع:  
Middle East -- History -- 20th century | موضوع: خاورمیانه -- تاریخ -- قرن ۲۰م. | موضوع:  
موضوع: Middle East -- History -- 21st century | موضوع: خاورمیانه -- تاریخ -- قرن ۲۱م. |  
موضوع: شناسه افزوده: Axworthy, Michael | شناسه افزوده: سیمز، برندن | شناسه افزوده:  
Simms, Brendan | شناسه افزوده: امیری کمالآبادی، محسن. ۱۳۷۰- مترجم | رده بندی  
کنگره: D۲۶۰ | رده بندی دیویی: ۲۴/۹۴۰ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۴۷۹۹



نشر انتخاب

ناشر دانشگاهی و عمومی

## وستفالیای خاورمیانه

برندن سیمس، میشل اکسورثی، پاتریک میلتن

ترجمه محسن امیری کمال آباد

| طراح جلد امیر اصغرزاده |

| صفحه آرای شهرام فرجی | چاپ و صحافی مؤسسه مهرداد |

| چاپ اول ۱۴۰۰ | شمارگان ۱۰۰ نسخه |

| شابک ۲-۷۵-۷۳۰۲-۶۲۲-۹۷۸ |

حق چاپ محفوظ است

دفتر مرکزی: خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، شماره ۱۲۶، طبقه چهارم

[www.nashreentekhab.ir](http://www.nashreentekhab.ir)

[info@nashreentekhab.ir](mailto:info@nashreentekhab.ir)

## فهرست

۵	پیشگفتار
۱۱	دبیاچه - بنیاد کربیر
۱۷	دبیاچه - دفتر فدرال امور خارجه آلمان
۲۵	۱ مقدمه
۲۵	جنگ‌های سی‌ساله و وستفالیای امروز
۲۹	اوایل سده هفدهم اروپای مرکزی و اوایل سده بیست و یکم خاورمیانه
۳۰	انگوه‌های جایگزین برای خاورمیانه؛
۳۲	دستاوردهای وستفالیای
۳۳	آزمایشگاهی برای ساختن جهان در خاورمیانه
۳۶	اصانه‌های وستفالیایی
۴۳	در قلب اروپا: امپراتوری مقدس روم هنوز مهم است
۴۹	۲ چالشها و بحرانها در خاورمیانه
۵۲	بحران مشروعیت در خاورمیانه
۵۶	روپارویی دوگانه سعودی - ایرانی و رقابت بزرگ قدرت
۶۴	فرقه‌گرایی
۶۹	۳ تواریخ، از صلح مذهبی به جنگ سی‌ساله
۷۰	رقابت‌های بزرگ قدرت در اروپا و نبردها در سده شانزدهم و اوایل سده هفدهم
۷۴	تش‌های درون مسیحیت و از کارآفادگی سیاسی در امپراتوری مقدس روم (۱۵)
۸۱	بحران در دودمان هابسبورگ و بوهیمیا: جنگ
۸۳	تفسیرهای جنگ سی‌ساله
۸۴	از شورش محلی تا جنگ داخلی امپراتوری: دوره بوهمی - پالاتینوس، ۱۶۱۸ - ۱۶۲۳
۸۷	از بیروزی تا کلمبایی: امپراتوری ساکسون سفلی و دانسارک ۱۶۲۳ - ۱۶۲۹
۸۹	مداخله سوئد و صلح پراگ، ۱۶۳۰ - ۱۶۳۵
۹۲	فرانسه - سوئد، ۱۶۳۵ - ۱۶۴۸
۹۵	۴ کنگره صلح مونستر و اوسنابروک (۱۶۴۸ - ۱۶۴۸) و نظام وستفالیایی (۱۶۴۸ - ۱۸۰۶)
۹۵	چرا آغاز کنگره این قدر به درازا کشیده
۹۹	ویژگی‌های کنگره

- ۱۰۳ چرا انعقاد صلح در کنگره طولانی شد؟
- ۱۰۴ چگونگی مذاکرات و روند کنگره
- ۱۰۵ مذاکرات و نقش طرف سوم
- ۱۱۴ شرایط صلح
- ۱۱۷ تأثیر

## ۵ راهکارها، همپوشانی‌ها و همسانی‌ها

- ۱۲۸ همسانی ساختاری ۱: پیچیدگی و اشکال چندگانه درگیری
- ۱۳۰ همپوشانی ساختاری ۲: مناقشه بر سر حاکمیت منجر به جنگ داخلی
- ۱۳۴ همپوشانی ساختاری ۳: سکاس‌های دشوار، از جنگ‌های نیایی به مداخله مستقیم
- ۱۳۸ همپوشانی ساختاری ۴: رقابت بزرگ و دامنه‌دار قدرت و رئالیسم
- ۱۴۰ همپوشانی ساختاری ۵: جنگ‌های مملکت‌ساز و نبود اعلامیه جنگ

- ۱۴۱ نقش مذهب و ستیز فرقه‌ای
- ۱۴۵ روابط نظامی - غیر نظامی
- ۱۴۶ پادشاهی و ده‌ها، آل سعود و هابسبورگ
- ۱۴۷ پناهندگان
- ۱۴۸ فناوری‌های ارتباطی
- ۱۴۸ همپوشانی جوی

## ۶ آموزه‌هایی برای خاورمیانه

- ۱۵۱ یک کنگره فراگیر
- ۱۵۵ صلحی از روی خستگی؟
- ۱۵۹ آیا برقراری یک آتش‌بس برای شروع گفت‌وگو ضروری است؟
- ۱۶۰ دیپلماسی و مذاکرات
- ۱۶۲ اعتماد؟
- ۱۶۳ شفافیت؟
- ۱۶۶ توافقات موقت؟
- ۱۶۷ طرف سوم
- ۱۶۹ تأمین صلح: ضمانت دوسویه
- ۱۷۴ تمرکز بر مافع و جداسازی بحران
- ۱۷۵ شروط مذهبی و قانونمندسازی ستیزهای فرقه‌ای

نتیجه‌گیری

یادداشت

## پیشگفتار

از معان سال‌های اخیر برای خاورمیانه تنها وخیم‌تر شدن شرایط است؛ بحرانی همیشگی که گویا هیچ‌کس ابزار یا اراده‌ای برای برون‌رفت از آن ندارد. رژیم اسد در سال ۲۰۱۵، با مداخله روسیه، کمک ایران از خطر جست و دولت اسلامی را شکست داد و دوباره تسلط خود را بر بیشتر سوریه برقرار کرد. جنگ پایان نیافته، زیرانیروهای شورشی هنوز ایستادگی می‌کنند. میلیون‌ها پناهنده در سوریه آواره شده و میلیون‌ها نفر دیگر از کشور گریخته‌اند. آوارگان فشارهای جدی سیاسی، مذهبی و قومی به کشورهای همسایه مانند اردن و لبنان وارد می‌کنند. تنش و ترس از جنگ احتمالی میان اسرائیل و ایران شدت یافته است. اسرائیل از حضور پر قدرت ایران و متحد مکملش حزب‌الله لبنان در منطقه نگران است. مشکلات سوریه فراتر از آن است و درگیری‌های بالفعل و بالقوه بیشتری در منطقه وجود دارد. در عراق، پس از جنگ داخلی و نابودی دولت اسلامی، شیعیان، سنی‌ها، کردها و دیگر گروه‌ها، ناآرام یکدیگر را نگاه می‌کنند. آن‌ها به توافق پایدار برای کاستن از تنش‌ها خوش بین نیستند. درگیری‌های حل نشده میان اسرائیل و فلسطین همچنان ادامه دارد و به دیگر تنش‌های منطقه دامن می‌زند. مقامات سازمان ملل اعلام کردند که پس از بمباران ویرانگر عربستان سعودی علیه حوثی‌ها در یمن، وخیم‌ترین بحران انسانی در جهان جریان دارد. در کل منطقه، عربستان و ایران یکدیگر را متهم و اتهامات دیگری را رد می‌کنند. فراتر از منطقه، ایالات متحده و روسیه به ترتیب با عربستان و ایران همسو هستند و

به طرف‌های مقابل بی‌اعتمادند. سخنان نفرت‌پراکنه فرقه‌ای و اطلاعات نادرست که به تازگی به‌عنوان اخبار ساختگی<sup>۱</sup> تعریف شده، درک مردم و سیاستمداران را تحریف و باعث افزایش سوءبرداشت و خطر محاسبه اشتباه و درگیری بیشتر شده است.

مشکلات چنان گوناگون و در هم تنیده است که به راهکارهای ساده دوجانبه مجال ارائه نمی‌دهند و شاید چنان سخت هستند که احساس ناامیدی را بر می‌انگیزند. نویسندگان این کتاب، به عنوان مورخ، پروژه وستفالیای را که یک آمیختگی از رنج و وحشتناک، پیچیدگی دهشت‌بار و ناامیدی آشکار از اوضاع جنگ سی‌ساله در اروپای میانه سده هفدهم است، آغاز کردند. جنگی که گویا دست‌کم یک سوم از مردم آلمان در آن جان خود را از دست دادند. این جنگ‌ها از درگیری‌های کنونی در خاورمیانه و وحشتناک‌تر و در برابر حل و فصل چموش‌تر نبود. همپوشانی‌های بسیاری میان جنگ‌های سی‌ساله و شرایط کنونی خاورمیانه وجود دارد؛ به‌ویژه استفاده از نیروهای نیابتی توسط قدرت‌هایی که مایل نیستند آشکارا خود را پاکیزه‌کننده یا خطر جنگ در قلمرو خودشان و نقش خورنده و همه‌گیر ستیزهای فرقه‌ای (میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در آن زمان و شیعه و سنی هم‌اکنون) را به جان بخورند. رقابت کنونی عربستان سعودی و ایران، من را به یاد داوری‌نهایی ورونیکا و دکوردا در میان کتاب بزرگ وی درباره جنگ سی‌ساله می‌اندازد. با آنکه کشورها و مردم همگی به دنبال امنیت خودشان در شرایط بی‌اعتمادی و ترس بودند، این موضوع جنگ ناگوار را به درازا کشاند:

«با این همه، از تک‌تک کسانی که به کارزار جنگ کشیده می‌شدند، شمار اندکی غیرمسئول و بیشترین آن‌ها خواهان صلح‌نهایی و بهتری بودند. برای همه... عامل تحریک‌کننده به جای کامیابی و ایمان، ترس بود. آن‌ها صلح می‌خواستند و برای اطمینان از آن سسی سال جنگیدند. آن‌ها هنوز یاد نگرفته‌اند که جنگ تنها جنگ می‌آورد» (۱).

1. Disinformation
2. Fake news
3. Veronica Wedgwood

همپوشانی‌های سده هفدهم برای ما، دزنگ در گرفتاری‌های آن دوره است. این همپوشانی نویدبخش یک راهکار است؛ زیرا جنگ سی ساله سرانجام با اقدام هماهنگ کشورهای اروپایی و پیمان وستفاليا به پایان رسید. این کار ساده نبود و بسیار زمان برد؛ اما در پایان ثابت شد که با داشتن بینش، اراده استوار، نرمش و زیرکی، می‌توان بر تلخی‌ها، پیچیدگی‌ها و ناامیدی‌ها پیروز شد. مسئله ما این است که آیا می‌توان از موفقیت دیپلمات‌های سده هفدهم در پایان جنگ، برای پایان دادن به درگیری‌های خاورمیانه چیزهایی آموخت؟ برای بسیاری، وستفاليا به معنای برپایی یک نظام اروپایی از کشورهای آزاد و نیرومند و اصل دخالت نکردن بیگانگان در امور داخلی کشورها است. این انگاره از وستفاليا، اگرچه گسترده و تکراری است، اما بیشتر یک افسانه است (بررسی ریشه افسانه به خودی خود یک کار تاریخ‌نگاری است که گویا مربوط به دوره الگوشدن دولت‌های ملی اروپا در سده نوزدهم است). در واقع پیمان وستفاليا، نظامی برای ایالت‌های درون آلمان با حاکمیتی محدود و مشروط، امکان‌بازبینی و حل و فصل اختلاف‌ها در دادگاه‌هایی بالاتر از سطح ایالت‌ها و نظام مداخله قدرت‌های پشتیبان در بیرون از آلمان را برای تقویت مفاد معاهده وضع کرده بود. در خاورمیانه کنونی نیز واقعیت وستفاليا چشمگیرن و چه‌سا کارآمدتر از افسانه وستفاليایی است.

در اینجا الگوی اروپایی برای حل مشکلات خاورمیانه را ارائه نمی‌دهیم. بیشترین مشکلات، برآمده از شکست الگوی مملکت‌سازی اروپایی است که پس از سال ۱۹۱۸ بر منطقه تحمیل شد و بخشی از آن براساس افسانه وستفاليا بود. همایش‌های مان‌شان داد کهنه معاهدات واقعی وستفاليا به این دلیل اثرگذار بودند که از یک گردهمایی فراگیر به دست آمدند. در این گردهمایی، طرفین درگیری می‌توانستند با استفاده از سنت‌های قانونی و اداری پیشین و کمک قدرت‌های خارجی، خواسته‌هایشان را به گوش دیگران برسانند و برای دستیابی به یک راهکار با هم همکاری کنند. در آنجا شیوه‌های مذاکره غیررسمی دست‌کم به اندازه رويه‌ها یا ساختارهای رسمی مهم بود. این ایده اصلی برنامه ما است؛ یک کنگره صلح فراگیر که بتوان نیازهای امنیتی همه طرف‌ها را شنید و در جهت یک توافق کلی کار کرد.